

چکیده

«وعد» از واژگان پرکاربرد قرآن کریم است که در لغت، به معنی عهد و در اصطلاح عبارت است از تعهد به انجام امری، خواه آن امر خیر باشد یا شر؛ و اختصاص پیدا کردن به یکی از آنها، به واسطه‌ی قرینه معین می‌شود. بررسی دقیق این واژه و مفاهیم آن می‌تواند زمینه‌ی فهم بهتر مضامین و آموزه‌های قرآنی را فراهم سازد. این پژوهش با روش معناشناسی، به تبیین معنای واژه‌ی «وعد» در قرآن پرداخته، سپس مفاهیم تربیتی مترتب بر آن را بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های پژوهش که با تحلیل کاربردها و استخراج مفاهیم واژگان انجام گرفته است، مشخص گردید که مؤلفه‌های معنایی واژه‌ی وعد، بر حسب وجوه اشتراک، به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته‌ی اول از مؤلفه‌های معنایی «وعد»، مربوط به وعده یا وعده‌های خداوند است که در آیات متعددی، وعده یا وعده‌هایی به خداوند نسبت داده است و این دسته، خود در دو طیف (مصدق) قابل تقسیم‌بندی است: الف. مقصود از وعده‌ی الهی، دلالت زبانی و قولی است که به‌عنوان وعده‌ای از جانب خداوند تصریح شده است؛ ب. مقصود از وعده‌ی الهی، سنّت‌ها و قوانینی است که به‌عنوان امور تکوینی الهی، در نظام هستی جریان دارد. دسته‌ی دوم از مؤلفه‌های معنایی «وعد»، مربوط به وعده یا وعده‌های انسان است که به‌صورت دلالت زبانی و قولی است و در بعضی از آیات، به برخی از انسان‌ها نسبت داده شده است؛ همچنین آشکار شد که وعده‌های الهی به لحاظ تربیتی، مفاهیم گوناگونی در بردارد و در یک دسته‌بندی می‌توان مفاهیم تربیتی مترتب بر آن را در دو حوزه برشمرد و مؤثر دانست: الف. حوزه‌ی شناخت؛ مانند خداشناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی؛ ب. حوزه‌ی عمل؛ مانند افزایش ایمان و ترغیب و تشویق.

واژگان کلیدی:

معناشناسی، روابط هم‌نشینی، وعده، وعید، تربیت، قرآن کریم.

۱. بیان مسئله

رویکرد معناشناختی و تحلیل معنایی واژگان، یکی از راه‌های نوین و مؤثر برای دست یافتن به مقصود اصلی گوینده است. با توجه با کارایی نگاه معناشناختی در زمینه‌ی کشف و فهم مقاصد متن، در دوره‌ی معاصر، پژوهشگران و قرآن‌پژوهان به این رویکرد و روش‌های مختلف آن توجه داشته‌اند. ایزوتسو، مستشرق و قرآن‌پژوه ژاپنی، از روش معناشناسی برای کشف معانی حقیقی و مدنظر گوینده استفاده کرده است. به عقیده‌ی وی، برای فهم درست و دقیق معانی واژگان، باید به بافت و سیاق هم توجه کرد، به‌ویژه در متون دینی مانند قرآن که یک مجموعه‌ی تصادفی از واژگان بدون نظم و قاعده نیست، بلکه واژه‌های آن با قرار گرفتن در نظام و شبکه‌ی خاص در ارتباط با سایر واژگان، رنگ معناشناختی به خود می‌گیرند که اگر بیرون از دستگاه، بدون در نظر گرفتن بافت و سیاق آیات لحاظ شوند، هرگز آن معنا را در بر نمی‌گیرند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۲۵).

همچنین پرداختن به مفاهیم قرآنی با رویکرد معناشناختی، از آن جهت که این رویکرد و روش معناشناسی، به کشف معانی و مقاصد متن کمک می‌کند، در زمینه‌ی تبیین مفاهیم و گزاره‌های تربیتی قرآن نیز مؤثر است. با این حال، تاکنون بسیاری از واژگان و مفاهیم قرآنی، با این رویکرد و روش مطالعه نشده‌اند، همچنان‌که واژه‌ی «وعد» یکی از واژگان پرکاربرد قرآن است که تاکنون با این رویکرد بررسی نشده و مفاهیم تربیتی مترتب بر آن، تبیین نگشته است. با در نظر داشتن این مباحث، این پرسش محوری مطرح می‌شود: بر اساس رویکرد معناشناختی، واژه‌ی «وعد» در قرآن چه بار معنایی دارد و مفاهیم تربیتی مترتب بر آن چیست؟ برای پاسخگویی به این پرسش، پژوهش حاضر بر آن است با رویکرد معناشناختی و روش تحلیل کاربردها و استخراج مفاهیم واژگان، به تبیین معنای واژه‌ی «وعد» و استخراج مؤلفه‌های معنایی آن از قرآن بپردازد و مفاهیم تربیتی مترتب بر آن را مطالعه و بررسی کند.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

بر اساس بررسی به‌عمل‌آمده، تاکنون پژوهش مستقلی درباره‌ی مسئله‌ی معناشناسی واژه‌ی وعد و مفاهیم تربیتی مترتب بر آن در قرآن انجام نشده و در این زمینه، منبع مستقلی به‌دست نیامده؛ اما منابعی وجود دارد که در آنها به‌نوعی به این مسئله‌ی اشاره‌شده یا با آن مرتبط است که اجمالاً معرفی می‌گردد.

• محمد کاوه و فاطمه محمدحسینی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ی «ویژگی وعده‌های الهی در قرآن و روایات»، بر اساس مفاهیم آیات و روایات، ویژگی‌های وعده‌های الهی را در ابعاد روش‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و هستی‌شناختی بررسی کرده، سپس شیوه‌های (قالب‌های) بیان وعده در قرآن را در چهار گروه دسته‌بندی نموده‌اند که شامل وعده‌ی لفظی، وعده‌ی نوشتاری، وعده در قالب الهام و وعده در قالب رؤیای صادق می‌شود. در آخر، به برخی اهداف تربیتی وعده‌های الهی در قرآن پرداخته‌اند که اهداف مطرح‌شده در این مقاله عبارتند از: ارزش‌آفرینی، جنبه‌ی تشویقی، افزایش و ترغیب به ایمان، عبرت‌آموزی و مغرور نشدن.

• سعید عباسی‌نیا و ابوالفضل ساجدی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ی «مدلول زبانی وعد و وعید در قرآن»، مختصات اسلوب وعد و وعید در قرآن را بررسی کرده‌اند. بر اساس این مقاله، بالغ بر ۱۸۰۰ آیه از قرآن، متضمن وعد و وعید است که این فراوانی، در گسترش مفاهیم قرآنی و شکل‌گیری کلی زبان قرآن و مختصات آن تأثیرات بسیاری دارد. بر اساس یافته‌های این مقاله، مدلول زبانی وعد و وعید، ایصال و القای قصد وعده‌گزار و حتمیت آن به مخاطب و اظهار طلب و اراده‌ای از سوی متکلم، برای واداشتن مخاطب به فعل و حالات مطلوب او است، در قبال تعهدی که به انجام مفاد وعد و وعید می‌سپارد. برآیند این اظهار قصد، اراده و طلب، همان انگیزشی است که به خوف و رجا و افعال احتمالی دیگر منجر می‌شود. بر اساس این، مدلول زبانی در وعد و وعید، نوعی انگیزش است که خوف و رجا و افعال بعدی مخاطب بر آن مترتب می‌گردد. با این تقریب، مدلول زبانی وعد و وعید، داخل در زبان انگیزشی قرآن است.

• سمیه عمادی اندانی و اعظم پرچم (۱۳۹۵)، در مقاله‌ی «نقش اسمای حسناى خداوند در میدان‌های معناشناسی وعد و وعیدهای الهی در قرآن»، با رویکرد معناشناختی، نقش اسمای الهی رحمان، غفور، رحیم، عزیز، حکیم و غنی، در وعده و وعیدهای خداوند به مؤمنان، پیامبران، گناهکاران و مجرمان را بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج این مقاله، اسمای الهی هر یک فراوانی معنایی دارند و هر کدام از انسان‌ها به اقتضای ظرفیت‌های وجودیشان، از اسامی و وعد و وعیدهای الهی، به صورت‌های گوناگون بهره‌مند می‌شوند. اگرچه در این مقاله، واژه‌ی وعد معناشناسی نشده و محوریت مقاله، معناشناسی اسمای الهی بوده است؛ اما از آنجاکه اسمای الهی، واژگان هم‌نشین وعد هستند، معناشناسی اسمای الهی در شناخت معنای وعده مؤثر است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مسئله‌ی مدنظر، در تحقیقات پیشین به‌صورت تحلیلی بررسی نشده، بلکه به‌شکل خلاصه به آن پرداخته‌شده یا بعضی از مسائل مرتبط با آن، همچون ویژگی‌های وعده‌های الهی، (قالب‌های) بیان وعده در قرآن، مختصات اسلوب وعد و وعید در قرآن و معناشناسی واژگان هم‌نشین با واژه‌ی وعد بررسی گردیده است.

۳. چیستی معناشناسی

معناشناسی یا سمانتیک^۱ یکی از روش‌های فهم متن است که از پایه‌گذاری آن به‌عنوان یک علم، کمتر از یک قرن می‌گذرد. واژه‌ی «Semantics» به معنای «علم مطالعه‌ی معنا»، از لغت یونانی «Semantika» اقتباس شده است (پالمر، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

معناشناسی را می‌توان مطالعه‌ی علمی معنای مراد و لوازم زبان در گذر تاریخ یا دوره‌ای خاص دانست که موضوع آن می‌تواند هر چیزی باشد که نقش نشانه یا رمز را ایفا می‌کند که این نشانه‌ها و رمزها، گاه غیرزبانی، اما معنادار و گاه زبانی هستند (مختار عمر، ۱۳۸۶: ص ۲۰-۱۹). معناشناسی را می‌توان به سه شاخه‌ی عمده تقسیم کرد و آنها را از یکدیگر متمایز نمود:

1- Semantics

معناشناسی زبانی، معناشناسی فلسفی و معناشناسی منطقی (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۸). آنچه در این پژوهش مدنظر است، «معناشناسی زبانی» است که در آن، توجه به سوی زبان است و معنی‌شناس با مطالعه‌ی معنی، در پی کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی از طریق زبان است (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۸). در واقع، معناشناسی زبانی، معنای واژه‌ها، جمله‌ها و متنها را تحلیل و بررسی می‌کند (خسروی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱).

در تقسیم‌بندی معنا در دانش معناشناسی، انواعی از روابط معنایی همچون هم‌معنایی، تناقض معنایی، چندمعنایی، تضاد معنایی و شمول معنایی وجود دارد (محمد العوا، ۱۳۸۹، ص ۱)؛ اما در بررسی واژگان قرآن، این روابط معنایی را می‌توان به دو دسته‌ی «رابطه‌ی نحوی- معنایی یا مکملی» و «رابطه‌ی معنایی- معنایی» تقسیم کرد که دوجه‌دو با یکدیگر هم‌نشین شده‌اند. رابطه‌ی معنایی- معنایی نیز، خود به چهار گونه‌ی «مکملی»، «اشتدادی»، «تقابلی» و «توزیعی» تقسیم می‌شود.^۱ از سوی دیگر، بنا بر دیدگاه برخی از زبان‌شناسان و صاحب‌نظران در حوزه‌ی معناشناسی، معنای یک واژه را می‌توان بر اساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد، همان‌طور که دو واژه، در صورتی که در بافتی بتوانند جانشین یکدیگر شوند، می‌توان آنها را هم‌معنی دانست، حتی اگر چنین استدلالی بدین معنا بیانجامد که هیچ‌گاه دو واژه نمی‌توانند هم‌معنا باشند (پالم، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸-۱۵۹). معناشناسی مبتنی بر بافت زبانی، معنا را برحسب روابط بینامتنی میان واحدهای زبان بررسی می‌کند. مقصود از روابط بینامتنی، روابطی شامل بافت یا سیاق، روابط هم‌نشینی و جانشینی است که از ارتباط یک واژه با سایر واژه‌ها پدید می‌آید و در سطح جمله و متن قابل بررسی است (حدادی، ۱۳۸۹، ص ۷۲).

رابطه‌ی هم‌نشینی یا «رابطه‌ی نحوی»، رابطه‌ای از نوع ترکیب میان الفظی است که در یک زنجیره‌ی کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (بی‌پرویش، ۱۳۷۴، ص ۳۰). رابطه‌ی جانشینی، رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی، میان هر یک از الفاظ یک زنجیره‌ی کلامی با الفظی است که می‌توانند جایگزین آنها شوند. (آزادی، ۱۳۸۴، ص ۲). مؤلفه‌های معنایی یا «شرایط لازم و کافی»، ویژگی‌هایی هستند که مفهوم واژه‌ها را تشکیل می‌دهند و وجوه اشتراک و افتراق مفاهیم را می‌نمایانند؛ به‌عنوان مثال «انسان بودن» و «مؤنث بودن»، شرایط لازم مفهوم «زن» است و «بالغ بودن»، چون آن را از مفهوم «دختر» متمایز می‌کند، شرط کافی برای آن محسوب می‌شود (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۷۱).

۱- «رابطه‌ی مکملی» میان دو واژه، براساس ساختار نحوی است؛ مانند ارتباطی که میان «فعل» و دیگر اعضای جمله‌ی فعلیه از قبیل «مبتدا و خبر»، «مضاف و مضاف‌الیه» و... وجود دارد. «رابطه‌ی اشتدادی» (هم‌معنایی، شمول‌معنایی)، میان دو مفهوم با مؤلفه‌ی معنایی مشترک وجود دارد که یکدیگر را تأیید و تقویت می‌کنند. البته هم‌پوشی این دو معنا، گاه نسبی (بر- تقوی: طغیان- کفر) و گاه کامل (جبت- طاغوت) است. «رابطه‌ی تقابلی» یا «تضاد»، میان دو مفهومی است که مؤلفه‌ی معنایی مشترک دارند؛ اما یکدیگر را نقض می‌کنند و در مقام تضعیف و نفی یکدیگرند و از این‌رو، در عین اتحاد در کلیت معنا، زوج‌هایی با تقابل معنایی هستند. «رابطه‌ی توزیعی» نیز میان دو مفهوم واقع در یک حوزه‌ی معنایی، اما با قلمروهای متمایز برقرار است؛ برای مثال می‌توان به روابط «دو به دو» ی جهات جغرافیایی، روزهای هفته، رنگ‌های اصلی، جسم و روح، غیب و شهادت و مواردی از این قبیل اشاره کرد (نک: شفیع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، صص ۱۰۱-۱۰۲).

با در نظر داشتن تعریف ارائه‌شده از معناشناسی و نیز با استفاده از روش معناشناسی بر اساس بافت زبانی یا معناشناسی هم‌زمانی که در کشف معنای مفردات قرآنی پرکاربرد است، در ادامه، معناشناسی واژه «وعد» از طریق بررسی رابطه‌ی هم‌نشینی، با بررسی پیوند میان واژگان، بررسی می‌شود.

۴. واژگان هم‌نشین «وعد» در قرآن

استخراج و تحلیل واژگان هم‌نشین، یکی از مراحل کشف مؤلفه‌های معنایی است. در ادامه، برای دستیابی به مفهوم درونی واژه‌ی وعد، از روابط معنایی مکملی، اشتدادی، تقابلی و توزیعی استفاده خواهد شد و با توجه به ارتباط واژگان با یکدیگر و اهمیت بررسی آن در سطح جمله و متن، با محوریت روابط هم‌نشینی، سیاق واژه در نظر گرفته می‌شود تا مؤلفه‌های معنایی آن روشن گردد. بدین منظور، در ادامه، ابتدا هم‌نشین‌های واژه «وعد» در طیفی (گروهی) از آیات گزینش شده است و از میان آنها، پربسامدترین زوج‌های معنایی به‌عنوان هم‌نشین‌های اصلی «وعد» تعیین می‌شود:

رابطه	هم‌نشین	واژه‌ی اصل	آیه
مکملی	رَبَّنَا	وَعَدْتَنَا - الْمِيعَادَ	«رَبَّنَا وَأَتْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل‌عمران: ۱۹۴).
مکملی	رَبَّنَا - رَبُّكُمْ	وَعَدْنَا - وَعَدَ	«وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا...» (اعراف: ۴۴)
مکملی	رَبِّ - أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ	وَعَدَكَ	«وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنِّي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» (هود: ۴۵).
مکملی	رَبَّنَا	وَعْدٌ	«وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا» (إسراء: ۱۰۸).
مکملی	رَبِّي - رَبِّي	وَعْدٌ - وَعَدَ	«قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا» (كهف: ۹۸).
مکملی	الرَّحْمَنُ	وَعَدَ	«جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا» (مریم: ۶۱).
مکملی	رَبُّكُمْ - رَبُّكُمْ	يَعِدُّكُمْ - وَعَدَا - مَوْعِدِي	«قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي» (طه: ۸۶).
مکملی	يُوعِدُونَ - رَبِّ	(مؤمنون: ۹۳)	«قُلْ رَبِّ إِنَّمَا تُرِيدُنِي مَا يُوعَدُونَ».
مکملی	الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ	وَعَدَ	«خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (لقمان: ۹).
مکملی	رَبِّكَ وَعَدَا	وَعَدَا	«لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا» (فرقان: ۱۶).

رابطه	هم‌نشین	واژه‌ی اصل	آیه
مکملی	الرَّحْمَنُ	وَعَدَ	«قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» (یس: ۵۲).
مکملی	رَبَّهُمْ	وَعَدَ	«لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرْفٌ مِنْ قَوْفِهَا عُرْفٌ مُبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ» (زمر: ۲۰).

جدول شماره‌ی ۱؛ واژگان هم‌نشین واژه‌ی وعد.

در ادامه، هر یک از واژگان پربسامد هم‌نشین با واژه‌ی «وعد» مطرح می‌گردد:

الف. هم‌نشینی «وعد» با «رَبَّ»

واژه‌ی «رَبَّ» از ماده‌ی «ربب» و مشتقات آن، حدوداً ۱۰۰۲ بار در قرآن آمده است (نک: کردنژاد، ۱۳۸۹، ص ۴۲). واژه‌ی «رَبَّ» از واژگان پربسامد هم‌نشین با واژه‌ی «وعد» است و در آیات متعددی، هم‌نشین این واژه شده است، همچنان که این رابطه‌ی هم‌نشینی در آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی اسراء آمده است و می‌فرماید: «وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا» (اسراء: ۱۰۸)؛ همچنین، در آیه‌ی ۱۶ سوره‌ی فرقان به این اشاره شده است و می‌فرماید: «لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا» (فرقان: ۱۶). علاوه بر این، این رابطه‌ی هم‌نشینی در آیات «آل عمران: ۱۹۴»، «اعراف: ۴۴»، «هود: ۴۵»، «کهف: ۹۸»، «طه: ۸۶»، «مؤمنون: ۹۳» و «زمر: ۲۰» نیز آمده است.

واژه‌ی «رَبَّ» بدون اضافه به چیزی، تنها بر خداوند اطلاق می‌شود و یکی از اسمای الهی است و اطلاق آن با اضافه، بر غیر خدا نیز صحیح است؛ مانند ربِّ الدار؛ یعنی مالک خانه (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۳-۶۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۳۹). لغویون معانی گوناگونی را برای واژه‌ی «رَبَّ» مطرح کرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد اصل معنایی این واژه، «تربیت کردن و سوق دادن به سوی کمال» است، همچنان که راغب اصفهانی، درباره‌ی اصل معنایی این واژه آورده است: «الرَّبُّ: در اصل، به معنی تربیت و پرورش است؛ یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حدّ نهایی و تمام و کمال آن برسد» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹)؛ همچنین علامه مصطفوی نیز، معنای اصل این ماده را سوق دادن چیزی به سوی کمال دانسته و آورده است: «اصل واحد در این ماده عبارت است از سوق دادن چیزی به سوی کمال و رفع نقایص در جهات مختلف مادی و معنوی، ذاتی و عرضی و اعتقاد و صفات و اخلاقیات یا اعمال و آداب یا علوم متداول، در انسان یا حیوان یا گیاه، در هر شیء، برحسب آنچه اقتضای ارتقای منزلت و کامل کردن امور آن است» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۸).

بنابراین، اصل معنایی «رَبَّ»، همان پرورش و تکامل است و سایر معانی، رویه‌های مختلفی از این اصل معنایی است. بر اساس این، وعده‌های الهی از باب ربوبیت و تربیت خلق برای نیل به کمال، شامل بندگان می‌شود. بر اساس نظر برخی مفسران، وعده‌های خداوند برحسب تفضّل ربوبیت بر بندگان است و وعده‌های خداوند از باب استحقاق آنان، همچنان که آمده است: وعده

از باب فضل خداوند شامل بندگان می‌شود، نه از باب استحقاق آنان؛ زیرا بنده هرچه ایمان و عمل صالح او کامل‌تر و زیادتر باشد، نمی‌تواند شکر نعمت‌های الهی را ادا کند تا مستحق دریافت آن وعده‌ها شود؛ ولی وعید از راه استحقاق بندگان است و پروردگار سبحان زائد بر استحقاق، هیچ بنده‌ای را عذاب نمی‌نماید، چه بسا که می‌بخشد و عفو می‌کند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۷۵).

با در نظر داشتن اصل معنایی واژه‌ی «رَبَّ» و با توجه به هم‌نشینی این واژه با واژه‌ی «وعد» و تکرار این رابطه در آیات برمی‌آید که واژه‌ی «رَبَّ» و مشتقات آن، پربسامدترین واژگان هم‌نشین «وعد» در آیات است و در این رابطه‌ی هم‌نشینی، ارتباط معنایی وجود دارد.

ب. هم‌نشینی «وعد» با «رحمان»

«رحمان» صیغه‌ی مبالغه از ریشه‌ی «رحم» و ۱۵۷ بار در قرآن آمده است. این واژه یکی از واژگان هم‌نشین وعد است و در بعضی از آیات، وعده به اسم «رحمان» نسبت داده شده است، همچنان که در آیه‌ی ۶ سوره‌ی مریم می‌فرماید: «جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا» (مریم: ۶۱). منظور از «وعد» به غیب، وعده به چیزی است که هنوز موعود آن را نمی‌بیند و از نظر غایب است. مقصود از «مَأْتِيٌّ بودن وعد» این است که تخلف نمی‌کند و قطعاً فرامی‌رسد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۵، ص ۱۸۶). آیه‌ی یادشده اشاره می‌دارد که مؤمنان برای همیشه، در باغ‌های بهشتی خواهند بود، باغ‌های که هنوز از نظر مردم دنیا غایب هستند؛ اما خداوند بخشنده آن را به مؤمنان وعده داده و تحقق این وعده، قطعی است. با توجه به آنکه واژه‌ی «الرَّحْمَنُ» به معنی بخشندگی است، استفاده می‌شود که خدای بخشنده، این‌گونه باغ‌ها را به بندگان می‌بخشد، نه اینکه اجر و پاداش اعمال آنان باشد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص ۱۹۱). همچنین در آیه‌ی دیگر، این رابطه‌ی هم‌نشینی آمده است و می‌فرماید: «قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» (یس: ۵۲).

رحمان از اسماء و صفات الهی است و در آیات نامبرده، به‌عنوان اسم خاص (علم) برای خداوند اطلاق شده است، همان‌طور که در روایات نیز، از واژه‌ی از «الرحمن» به‌عنوان اسم مخصوص خداوند تعبیر شده و در روایتی، امام صادق^(ع) به این مفهوم اشاره کرد و فرمود: «الرَّحْمَنُ اسْمٌ خَاصٌّ بِصِفَةِ عَامَّةٍ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۴)؛ رحمن اسم خاص است [مخصوص خداوند]، اما با وصفی عام».

بنابراین، با در نظر داشتن روابط هم‌نشینی دو واژه‌ی «رحمان» و «وعد»، چنین برمی‌آید که میدان معنایی این دو واژه، ارتباط و هم‌پوشی دارند.

ج. هم‌نشینی «وعد» با «عزیز و حکیم»

دو واژه‌ی «عزیز» و «حکیم»، از واژگان هم‌نشین واژه‌ی «وعد» در آیات قرآن هستند، همچنان که این رابطه در آیه‌ی ۹ سوره‌ی لقمان آمده است: «خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (لقمان: ۹).

«عزیز» و «حکیم»، از اسما و صفات الهی هستند و در قرآن کریم، این دو صفت، ۴۷ بار در کنار هم آمده‌اند. «عزیز» از ماده «عزز»، صفت برای کسی است که به سبب نیرومندی و اقتدار، امرش جاری و غالب است و مغلوب و مقهور نمی‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۹۰). حکیم نیز برگرفته از ماده‌ی «حکم»، صفت و به معنای متقن‌کار و کسی است که هیچ فعل و عملی از روی جهل و بی‌هودگی انجام نمی‌دهد؛ بلکه هر چه از وی ناشی می‌شود از روی علم و مصالح است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۳۱).

بر اساس این، شخصی که از صفات عزیز و حکیم برخوردار است، توانایی انجام هر کاری را دارد که به آن وعده داده است و با توجه به اینکه این صفات در آیه‌ی یادشده، بلافاصله پس از وعده آمده است، چنین برمی‌آید که خاستگاه اولیه‌ی وعده‌ی مطرح‌شده، همین صفات عزیز و حکیم الهی است؛ بنابراین، صفات الهی عزیز و حکیم را می‌توان مبنایی برای وعده دانست.

۵. واژگان هم‌نشین «وعد الله» در قرآن

«وعد الله» یکی از ترکیب‌های پرکاربرد واژه‌ی وعد در آیات قرآن است و بررسی این ترکیب و واژگان هم‌نشین آن می‌تواند برای تبیین معنای این واژه در قرآن مؤثر باشد. در ادامه، ابتدا هم‌نشین‌های ترکیب «وعد الله» مبتنی بر روابط چهارگانه‌ی مکملی، اشتدادی، تقابلی و توزیعی در گروهی از آیات گزینش شده است و از میان آنها، پربسامدترین زوج‌های معنایی، به‌عنوان هم‌نشین‌های اصلی «وعد الله» تعیین می‌گردد.

آیه	واژه اصل	هم‌نشین	رابطه
«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (نساء: ۱۲۲).	وَعَدَ اللَّهُ	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	مکملی
«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۹).	وَعَدَ اللَّهُ	الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	مکملی
«إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ...» (یونس: ۴).	وَعَدَ اللَّهُ	الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	مکملی
«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (نور: ۵۵).	وَعَدَ اللَّهُ	الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	مکملی
«لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرْفٌ مِنْ قَوْفِهَا غُرْفٌ مَبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ» (زمر: ۲۰).	وَعَدَ اللَّهُ	الَّذِينَ اتَّقَوْا	مکملی
«فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ اللَّهُ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ» (روم: ۶۰).	وَعَدَ اللَّهُ	فَاصْبِرْ	مکملی

آیه	واژه اصل	هم‌نشین	رابطه
فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ» (غافر: ۵۵).	وَعَدَ اللَّهِ	فَاصْبِرْ	مکملی
«فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ...» (غافر: ۷۷).	وَعَدَ اللَّهِ	فَاصْبِرْ	مکملی
«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: ۲۹).	وَعَدَ اللَّهُ	الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	مکملی

جدول شماره‌ی ۲؛ واژگان هم‌نشین «وعد الله» در قرآن.

در ادامه هر یک از واژگان پربسامد هم‌نشین با ترکیب «وعد الله» مطرح می‌شود:

الف. هم‌نشینی «وعد الله» با «ایمان و عمل صالح»

«ایمان» و «عمل صالح»، از ترکیب‌های پرکاربرد در قرآن است و حدود ۱۰۰ مورد، ایمان و عمل صالح همراه باهم آمده‌اند (محدثی، ۱۳۸۸، ص ۸). در بعضی از آیات، این ترکیب در کنار «وعد الله» به‌کار رفته است. توجه به ترکیب سه مؤلفه‌ی «ایمان»، «عمل صالح» و «وعد الله» در قرآن و بررسی کیفیت قرارگیری آنها در کنار یکدیگر، بر نقش مؤثر ایمان و عمل صالح در تحقق وعده‌های دلالت دارد، همچنان که در آیه‌ی ۱۲۲ سوره‌ی نساء، به مؤمنان و کسانی که اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده‌ی مغفرت و اجر عظیم داده شده است و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (نساء: ۱۲۲)؛ همچنین در آیه‌ی ۹ سوره‌ی مائده، به کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده‌ی آمرزش و پاداش بزرگی داده است و می‌فرماید: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۹). نزدیک به همین مضمون، در آیه‌ی دیگری آمده است و می‌فرماید: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: ۲۹)؛ همچنین در آیه‌ی دیگر، به کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده‌ی خلافت در زمین داده است و می‌فرماید: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور: ۵۵). علاوه بر این آیات، این رابطه‌ی هم‌نشینی در آیه‌ی ۴ سوره‌ی یونس نیز آمده است.

«ایمان» نقیض کفر، همان باور دینی و قرار گرفتن عقیده در قلب است. بدیهی است که منظور از باور، تنها داشتن علم و ادراک نیست، بلکه عبارت است از پذیرفتن و قبول داشتن آنچه درک شده است و نشانه‌ی داشتن چنین پذیرشی این است که قوا و جوارح آدمی نیز، در برابر این باور تسلیم شود و آن را تصدیق کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۶). همچنان که این مفهوم در احادیث نیز آمده و حضرت علی^(ع) درباره‌ی ماهیت ایمان فرمودند: «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۷)؛ ایمان شناخت به دل، اقرار به زبان و عمل به اندام‌هاست».

«عمل صالح» نیز در برابر عمل فاسد قرار دارد و منظور از آن، فعلی است از روی قصد (نیت) و اختیار که سازنده و شایسته باشد و فساد و زشتی در آن نباشد (آلوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۳).

با مطالعه‌ی آیاتی که ترکیب «ایمان»، «عمل صالح» و «وعد» در آنها آمده است، روشن می‌شود که یکی از ترکیب‌های پر بسامد در قرآن است که بر نقش مؤثر ایمان و عمل صالح در تحقق وعده‌های الهی دلالت دارد؛ به این ترتیب که کسانی که از اعتقاد دینی صحیح برخوردار باشند و عمل شایسته به جای آورند، مورد فضل و رحمت خداوند قرار خواهند گرفت و وعده‌های الهی شامل حال آنان می‌شود؛ بنابراین، می‌توان اذعان کرد پادشاهی‌هایی همچون مغفرت، پاداش عظیم، ورود به بهشت و استخلاف در زمین، نتیجه‌ی حقیقی ایمان و عمل صالح نیست و به‌هیچ‌وجه چنین پاداش‌هایی، با اعمال ناچیز انسان برابری ندارد، بلکه این‌ها پاداشی از سر فضل و رحمت خداوند است که شامل حال این افراد می‌شود.

ب. هم‌نشینی «وعد الله» با «تقوا»

یکی دیگر از واژگان هم‌نشین با ترکیب «وعد الله» در قرآن، واژه‌ی «تقوا» و مشتقات آن است، همچنان که در آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی زمر، ترکیب «اتَّقُوا» و «وَعَدَ اللَّهُ» با هم هم‌نشین شده و آمده است: «لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا عُرْفٌ مُّبِينَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ» (زمر: ۲۰)؛ همچنین در بعضی از آیات، «تقوا» با واژه‌ی «وعد» هم‌نشین شده، همچنان که این ترکیب در آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی رعد و ۱۵ سوره‌ی محمد آمده است.

«تقوا» از مصدر وقایه و ریشه‌ی «وقی»، در اصل به معنای «حفظ کردن، خویش‌تنداری و نگاه داشتن از بدی و گزند» است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۳۸-۲۳۹). ابتدایی‌ترین معنای واژه‌ی تقوا، به کاربرد آن در میان عرب پیش از اسلام برمی‌گردد [که لزوماً معنای دینی یا اخلاقی نداشته است] و به این معناست که شخص میان خود و چیزی که از آن می‌ترسد، مانعی مادی قرار دهد تا از گزند آن حفظ شود (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۳۰۵)؛ اما در اصطلاح شرع اسلام، تقوا یعنی خودنگهداری از آنچه به گناه می‌انجامد و این معنا با پرهیز از آنچه خداوند نهی کرده است، حاصل می‌شود و کمال آن به‌وسیله‌ی ترک برخی مباحات تحقق می‌یابد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۸۰).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در آیه‌ی مزبور به اهل تقوا، بهره‌مندی از بهشت و مغفرت خداوند وعده داده است، با در نظر داشتن مفاد این آیه، روشن می‌شود که تقوا یکی از عوامل تحقق وعده‌های الهی است؛ بنابراین، میان دو ترکیب «تقوا» و «وعد الله»، ارتباط معنایی برقرار است.

ج. هم‌نشینی «وعد الله» با «صبر»

«صبر» از واژگان هم‌نشین واژه‌ی «وعد» در قرآن است و با توجه به کاربرد دو واژه‌ی «وعد» و «صبر» روشن می‌شود که صبر یکی از مؤلفه‌های تحقق وعده است، همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) را خطاب قرار

می‌دهد که در برابر ناملایمات، صبر پیشه کند؛ زیرا وعده‌ی یاری خداوند حق است و می‌فرماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَا يَسْتَحْفِنُكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ» (روم: ۶۰)؛ همچنین نزدیک به همین مضمون، در آیه‌ی دیگر آمده است و می‌فرماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ...» (غافر: ۵۵)؛ و نیز در آیه‌ی دیگر، رابطه‌ی «صبر» و «وعد الله» آمده است و می‌فرماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ...» (غافر: ۷۷).

صبر در لغت عرب، نقیض جَزَع (بی‌تابی) و به معنای خویشتن‌داری و استقامت کردن در تنگنا و سختی است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۳۱). به لحاظ معنای اصطلاحی، صبر عبارت است از آرامش و ثبات نفس در برابر بلاها و سختی‌ها، به طوری که از اطمینان پیش از آن حوادث بیرون نرود و زبان از شکایت و اعضا و جوارح از حرکات ناهنجار نگاه داشته شود (نراقی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۸۱). صبر جزء صفات اختیاری است و انسان با اراده و اختیار می‌تواند این صفت را تحصیل کند. عمده‌ترین دلیل بر اکتسابی بودن صبر، دادن ثواب به صبر است که در قرآن و روایات مکرراً آمده است و تردیدی نیست که پاداش، برای عملی داده می‌شود که انسان با اراده و اختیار آن را انجام دهد، وگرنه چنانچه امری ذاتی انسان و خارج از اراده و اختیار انسان باشد، پاداشی بر آن نخواهد بود (غزالی، ۱۴۲۶، ج ۱۲، ص ۴۰). بر اساس آموزه‌های دینی، تحصیل صبر از جهات گوناگونی مهم و ضروری است. از جمله‌ی مهم‌ترین جهات، نقش صبر در تحکیم ایمان و اینکه ایمان تنها در سایه‌ی صبر حفظ و شکوفا می‌شود؛ زیرا اگر در طریق بندگی، عنصر صبر، مؤمن را همراهی نکند، چه بسا ایمان او با اندک پیشامدی دچار خطر شود و ایمانش را از دست بدهد؛ بدین سبب است که در روایات، از صبر نسبت به ایمان، به منزله‌ی سر نسبت به بدن تعبیر شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۰). نکته‌ی دیگر اینکه یاری صابران از وعده‌های الهی است که در قرآن کریم بر آن تأکید شده و خداوند بر خود مقرر داشته و وعده داده که بندگان صابر خود را یاری کند؛ از همین رو، آیات یادشده اشاره دارد که رسول اکرم^(ص) باید در عمل و موضع خویش و در مواجهه با ناملایمات، استقامت داشته باشد.

۶. مفاهیم تربیتی مترتب بر وعد در قرآن

یکی از رویکردهای نسبتاً جدید در حوزه‌ی مطالعات معناشناختی و کشف و فهم مقاصد متن، بهره‌گیری از این دانش در حوزه‌ی مسائل تربیتی است. از این جهت، با استفاده از روش معناشناسی و بررسی آیات مرتبط با موضوع وعد، می‌توان مسائل تربیتی، از جمله مفاهیم و گزاره‌های تربیتی مترتب بر وعد را شناسایی کرد.

۱-۶. حوزه‌ی شناخت

از آثار مترتب بر وعد در حوزه‌ی شناخت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۱-۶. خداشناسی

خداشناسی و شناخت خداوند، یکی از مهم‌ترین مفاهیم تربیتی مترتب بر وعد در قرآن کریم است. با در نظر داشتن آیات مرتبط با این موضوع و توجه به موضوعات مطرح‌شده در این

آیات روشن می‌شود که پربسامدترین موضوعی که در این آیات آمده، اوصاف و صفات خداوند است و از همین رو، یکی از پرتکرارترین الگوهای روابط هم‌نشینی واژگان با واژه‌ی «وعد»، هم‌نشینی واژگانی است که مبین اسماء و صفات خداوند است. اسماء و صفاتی همچون «ربّ» (آل‌عمران: ۱۹۴؛ اعراف: ۴۴؛ هود: ۴۵؛ اسراء: ۱۰۸؛ مؤمنون: ۹۳؛ فرقان: ۱۶؛ زمر: ۲۰)، «رحمن» (مریم: ۶۱ و یس: ۵۲)، «عزیز» (ابراهیم: ۴۷؛ لقمان: ۹)، «حکیم» (هود: ۴۵ و لقمان: ۹)، «ذو انتقام» (ابراهیم: ۴۷)، «صادق» (آل‌عمران: ۱۵۲؛ نساء: ۱۲۲؛ احزاب: ۲۲؛ زمر: ۷۴؛ احقاف: ۱۶؛ ذاریات: ۵) و قدرت (مؤمنون: ۹۵) از جمله‌ی اسماء صفات الهی هستند که در رابطه‌ی هم‌نشینی با واژه‌ی «وعد» آمده‌اند، همچنان که واژه‌ی «ربّ» با واژه‌ی «وعد» آمده است و می‌فرماید: «وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا» (اسراء: ۱۰۸). همان‌گونه که دو صفت «عزیز» و «ذو انتقام بودن» با واژه‌ی «وعد» آمده است و می‌فرماید: «فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ» (ابراهیم: ۴۷)؛ همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (لقمان: ۹). در جای دیگر، صفت «صادق بودن» به همراه «وعد» آمده است و می‌فرماید: «إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٌ» (ذاریات: ۵).

خداشناسی از مسائلی است که اذهان بشر همواره به آن توجه داشته است و می‌توان اذعان داشت که شناخت خداوند مسئله‌ای است که توجّه به آن، وجه مشترک میان همه‌ی انسان‌هاست. بدیهی است که طرح اوصاف و صفات الهی در قرآن کریم و توجه به مفاهیم مطرح‌شده در آیات، معارف گسترده‌ای را درباره‌ی خداشناسی در اختیار بشر قرار می‌دهد، سبب آگاهی بیشتر انسان نسبت به صفات الهی و نشانه‌های وجود ذات او می‌شود و در نتیجه، شناخت بهتر خداوند را میسر می‌سازد، همچنان که طرح اوصاف و صفات الهی به همراه وعده، این مفهوم را می‌رساند که وعده‌های الهی، برخاسته از صفات و ذات اوست و از ربوبیت، رحمت، حکمت، عزت، صداقت و قدرت خداوند نشأت می‌گیرد؛ بنابراین، هم‌نشینی واژگان مبین صفات الهی با واژه‌ی «وعد»، از جنبه‌های مختلف، زمینه‌ی درک و معرفت خداوند را فراهم می‌سازد.

۶-۱-۲. انسان‌شناسی

شناخت انسان و ویژگی‌های انسانی، یکی از مفاهیم تربیتی است که از رابطه‌ی هم‌نشینی واژگان با واژه‌ی «وعد» به دست می‌آید. شناخت محدوددهی قدرت و توانایی و سیستم ادراکی و شناختی انسان، از جمله‌ی مفاهیم انسان‌شناسی است که از این رابطه‌ی هم‌نشینی در قرآن حاصل می‌شود، همچنان که واژه‌ی «وعد» با واژه‌ی «عجز» همراه است که به محدودیت قدرت انسان اشاره دارد. در این رابطه، خداوند می‌فرماید: «إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَاتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ» (أنعام: ۱۳۴). در این آیه، واژه‌ی «تُوْعَدُونَ» با واژه‌ی «مُعْجِزِينَ» هم‌نشین شده است. «مُعْجِزِينَ» از ریشه‌ی «عَجَز»، به معنی «ناتوانی» است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۳۲). این آیه، به محدود بودن قدرت انسان در برابر قدرت نامحدود و نامتناهی خداوند اشاره دارد و نیز به این مفهوم دلالت دارد که آنچه خداوند وعده داده، از قبیل حشر و نشر و پاداش و کیفر و...، به‌طور حتم و یقین محقق خواهد شد و در این میان، انسان نمی‌تواند از قلمرو و ملک و قدرت او خارج شود، بلکه در مانعت

از تحقق وعده‌های الهی عاجز است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۵۸).

واژه‌ی «قلب»، از دیگر واژگان هم‌نشین با «وعد» است که در زمینه‌ی شناخت وجودی انسان مؤثر است و آمده است: «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (أحزاب: ۱۲). واژه‌ی قلب، در ۱۳۲ آیه به کار رفته است. با در نظر داشتن کاربردهای این واژه در قرآن و کاربرد آن در آیه‌ی یادشده چنین برمی‌آید که قلب، قوه‌ی ادراک انسان است؛ از این‌روست که قرآن با تعبیر مختلف و با استفاده از واژگانی همچون عقل (حج: ۴۶)، فهم (انعام: ۲۵)، تدبّر (محمد: ۲۴)، هدایت (تغابن: ۱۱) و... کار ادراک را به قلب نسبت می‌دهد؛ بنابراین، شأن قلب این است که ادراک کند؛ پس اگر ادراک نمی‌کند، به سبب سالم نبودن آن است که اگر سالم می‌بود، ناگزیر عمل ادراک را انجام می‌داد.

واژه‌ی «علم»، یکی دیگر از واژگان هم‌نشین با «وعد» است که در زمینه‌ی انسان‌شناسی مؤثر است، همچنان که آمده است: «وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعَدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۶). این رابطه‌ی هم‌نشینی در آیات «نحل: ۳۸»، «قصص: ۱۳» و «یونس: ۵۵» نیز آمده است. ماده‌ی «علم» و مشتقات آن، بیش از ۷۰۰ بار در قرآن به کار رفته است. علم بر اساس نظرات اهل لغت، به معنای «ادراک حقیقت شیء» است، همچنان که درباره‌ی مفهوم این ماده آمده است: «علم، ادراک حقیقت چیزی است و بر دو گونه است: ۱. ادراک ذات شیء؛ ۲. حکم کردن بر وجود چیزی با وجود چیز دیگر که برایش ثابت و موجود است یا نفی چیزی که از او دور و منفی است» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۳۴)؛ از این‌رو، درک حقیقت یکی از ویژگی‌های مختص انسان است که این نوع ادراک، با وعده‌های الهی نیز ارتباط دارد؛ به این طریق که وعده‌های خداوند از آن جهت که حق و ثابت هستند، می‌توانند مجموعه‌ای از آگاهی‌ها را برای انسان به ارمغان آورد؛ بنابراین، وعده‌های الهی، همچنان که به لحاظ معرفتی می‌تواند زمینه‌ی درک حقایق را برای انسان فراهم سازند، در حوزه‌ی عملکرد انسان نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد و به اعمال او سمت‌وسو دهد.

در مجموع، چنین برمی‌آید که یکی از مفاهیم تربیتی رابطه‌ی هم‌نشینی واژه‌ی وعد با سایر واژگان، شناخت وجودی انسان است، همچنان که موضوعات محدودیت قدرت و توانایی و قوه‌ی ادراکی و شناختی انسان، از جمله‌ی مفاهیم و موضوعات انسان‌شناسی هستند که در این رابطه‌ی هم‌نشینی مطرح شده‌اند.

۳-۱-۶. هستی‌شناسی

یکی از مفاهیم تربیتی وعد در قرآن، جهت‌دهی به باورها و تصورات انسان درباره‌ی جهان هستی است. هم‌نشینی واژگانی همچون «سماوات و ارض» و «دنیا» با واژه‌ی «وعد» در قرآن، دربردارنده‌ی مفاهیم هستی‌شناسی است که به نگرش انسان درباره‌ی هستی سمت‌وسو می‌دهد، همچنان که واژگان «سماوات و ارض» با واژه‌ی «وعد» هم‌نشین شده است: «أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (یونس: ۵۵)؛ همچنین در آیه‌ی دیگر، با رابطه‌ی هم‌نشینی واژگان «دنیا» و «وعد» آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (فاطر: ۵).

در جهان‌بینی قرآنی، خداوند مالک مطلق هستی است، عالم ماده به صورت همه‌جانبه در

حاکمیت و تسلط کامل او قرار دارد و هیچ‌یک از اجزای این جهان نمی‌تواند از حاکمیت و مالکیت او بیرون رود، همچنان که قوانین و سنت‌های الهی بر هستی حاکم شده است که تحقق وعده‌های الهی را فراهم می‌سازد؛ ازاین‌رو، تخطی هر یک از اجزا و افراد این عالم، از قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر آن، رویارویی آن جزء یا فرد با قوانین الهی را سبب می‌شود که با توجه به تسلط و قدرت لایزال الهی، نتیجه‌ی این تخطی، تحقق وعده‌های الهی و اضمحلال یا اصلاح عضو خاطی خواهد بود؛ ازاین‌رو، در آیات یادشده، به انسان‌ها به‌عنوان یکی از اجزای عالم هستی اعلام می‌دارد که آگاه باشید که «تمام جهان هستی که انسان با حواس خود با آنها در ارتباط است، در حاکمیت و مالکیت خداوند است و خداوند قادر است که هرگونه تصرفی که فرض شود، در آن بنماید و غیر از خداوند، هیچ‌کس سهمی از این حاکمیت و مالکیت ندارد و چون خداوند سبحان اراده‌ای انجام آن را نماید، بدون آنکه یاری کننده‌ای او را یاری کند، یا مانعی از کار او جلوگیری کند و هرگاه وعده دهد، وعده حق است و تخلفی در آن نیست؛ از این جهت، وعده‌های خداوند محقق می‌شود، اگرچه بیشتر مردم به این حقیقت، نظر دقیق ندارند و ازاین‌رو، از درک آن ناتوانند، یا توان درک آن را دارند؛ ولی به فهم عوامانه‌ی خود اکتفا می‌کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۱۰).

بدیهی است که این باور می‌تواند بینش انسان را نسبت به جهان هستی معنی‌دار کند و به عملکرد او، سمت‌وسو دهد، همان‌گونه که در آیه‌ی ۵ سوره‌ی فاطر اشاره شده است. ازجمله‌ی باورهای انسان درباره‌ی جهان که می‌تواند در عملکرد وی تأثیر مثبت داشته باشد، این نگرش است که دنیا، گذرگاه و جایگاه تکامل اوست؛ نه قرارگاه دائمی و محل خوش‌گذرانی. همین حد از شناخت سبب می‌شود انسان، نه تنها به دنیا وابسته نباشد، بلکه موجبات رشد خود را نیز فراهم کند (مطهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۸).

بنابراین، توجه به وعده‌های قرآنی و دقت در مفاهیم مطرح‌شده در آنها، در جهان‌بینی و بینش انسان نسبت به جهان هستی مؤثر است و انسان را نسبت به قوانین عالم و سنت‌های خدایی حاکم بر جهان آگاه می‌سازد و روشن می‌کند که همه‌ی هستی، تحت تسلط کامل خداوند است و هیچ‌یک از اجزای هستی نمی‌تواند مانع از تحقق وعده‌های الهی شود.

۲-۶. حوزه‌ی عمل

از آثار مترتب بر وعد در حوزه‌ی عمل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۲-۶. افزایش ایمان

«افزایش ایمان»، التزام علمی و عملی و شدت یافتن ایمان است. اصولاً همان‌گونه که ایمان درجات مختلف دارد، التزام به آن نیز شدت و ضعف دارد؛ به این معنی که فرد مؤمن ممکن است در عین ایمان به یک حقیقت، در میدان عمل به بعضی از آنچه بدان ایمان آورده، پایبند و عامل باشد و نسبت به بعضی دیگر، کوتاهی کند، همچنان که آمده است: «ایمان، صرف علم نیست، بلکه ایمان به هر چیز عبارت است از علم به آن به اضافه‌ی التزام به آن، به‌طوری‌که آثارش در عملش ظاهر شود و معلوم است که هر یک از علم و التزام مذکور، اموری است که شدت و ضعف

می‌پذیرد و از آنجایی که علم و التزام، هر دو از اموری هستند که شدت و ضعف و زیادت و نقصان می‌پذیرند، ایمان هم که از آن دو تألیف شده، قابل زیادت و نقصان و شدت و ضعف است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۸۸-۳۸۹).

بر اساس رابطه‌ی هم‌نشینی واژگان در قرآن، افزایش ایمان یکی از آثار تربیتی و وعد است، همچنان که آمده است: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (احزاب: ۲۲). این آیه، به رویارویی مسلمانان با لشکر کفار و متحدان آنان در جنگ احزاب اشاره دارد. همان‌گونه که در آیه به آن اشاره شده و در اخبار و روایات نیز آمده است، پیامبر اکرم^(ص) پیش از این رویارویی، به مسلمانان خبر داده بود که به‌زودی، احزاب عرب بر علیه آنان قیام خواهند کرد و با ایشان مقاتله خواهد نمود؛ اما وعده داد که در این رویارویی، غلبه و پیروزی با مسلمین خواهد بود. پس از این خبر و وعده، هنگامی که طلایه‌ی سپاه احزاب آشکار گردید، مصداق خبر و وعده‌ی پیامبر^(ص) بر ایشان روشن شد و وعده‌ی پیروزی، بر ایمان و تسلیم مسلمانان افزود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۰، ص ۷۱-۷۲).

وعده‌های الهی از این جهت که تحقق آنها، قطعی و حتمی است، هم باعث ایجاد آگاهی و معرفت قبلی مؤمن نسبت به امور و قضایا می‌شود و هم سبب پایبندی عملی او می‌گردد و پایداری و اصرار در مقام عمل را به همراه دارد. بر اساس این، وعده‌های الهی همچنان که از جنبه‌ی معرفتی و شناختی، مؤثر و تأثیرگذار هستند، به لحاظ عملی نیز تأثیرگذارند و سبب افزایش پایداری و استقامت مؤمن، در مواقع و مواضع گوناگون می‌شوند.

۲-۲-۴. ترغیب و تشویق

ترغیب و تشویق مخاطب یکی از گزاره‌های تربیتی مترتب بر وعد در قرآن کریم است. به‌طورکلی یکی از روش‌های قرآن برای دعوت به ارزش‌ها و امور پسندیده، ترغیب و تشویق در قالب وعده و وعید است و از این‌رو، قرآن کریم در بسیاری از آیات، با استفاده از یک کارگفت‌ظهاری [همچون وعده دادن]، مخاطب را به ارزش‌ها و فضایل و خصلت‌های پسندیده دعوت می‌کند که دال بر کارگفتی ترغیبی و تشویق است، همچنان که بدین منظور، مردم را به ایمان به خدا، روز جزا، ملائکه، انبیاء و کتب آسمانی دعوت می‌کند و به اهل ایمان، وعده می‌دهد و از این طریق، مخاطب خود را به ایمان دعوت می‌کند (نامداری، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲-۱۱۳)؛ همچنین قرآن وعده داده است که آموزش و اجر عظیم، نصیب مؤمنان و صالحان خواهد شد و بدین شکل، مخاطب خود را به ایمان و عمل صالح، ترغیب و تشویق می‌کند؛ ازجمله می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۹) و نیز در آیه‌ی دیگر، نزدیک به همین مضمون آمده است و می‌فرماید: «... وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: ۲۹).

«وعد خبری است که متضمن نفع موعود است و قرآن، مؤمنان و صالحان را وعده داده است که ایشان را بیمارزد و مزد عظیم دهد؛ پس خداوند برای ترغیب مکلفان بر طاعت، آنان را وعده‌ی آموزش و ثواب می‌دهد تا عزم آنان بر فعل طاعت و اجتناب از معصیت قوی باشد» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۸۶-۲۸۷).

نکته‌ی دیگر اینکه مفهوم هر دو آیه، بر این دلالت دارد که آمرزش و پاداش عظیم، از جهت حدوث و بقاء، مشروط به ایمان و عمل صالح است؛ یعنی کسی که در باطن ایمان نداشته باشد و مانند منافقین ایمانش زبانی بوده است، مغفرت و پاداش عظیم نصیب او نمی‌شود؛ همچنین اگر کسی در آغاز ایمان آورده؛ اما بعداً به کفر و شرک گراییده باشد، مغفرت و اجر عظیم مشمول وی نمی‌شود، همچنان که اگر کسی ایمان بیاورد و از کفر و شرک برگردد، اما عملش صالح نبود، او نیز مغفرت و اجر عظیم ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۴۸ - ۴۸۹).

بنابراین، وعده‌های الهی با طرح پاداش برای پایبندی و التزام به ارزش‌ها و امور پسندیده، سبب ایجاد رغبت در مخاطب برای به‌دست آوردن پاداش‌های الهی می‌شود و از این جهت، این‌گونه وعده‌ها، مخاطب خود را ترغیب و تشویق می‌کند و متأثر می‌سازد.

نتیجه‌گیری

با بررسی کاربردها و استخراج واژگان هم‌نشین «وعد» در قرآن و تحلیل مؤلفه‌های معنایی آن، نتایج زیر به‌دست آمد:

۱. با توجه به کاربرد واژه‌ی «وعد» در قرآن [بر محور هم‌نشینی واژگان]، مؤلفه‌های معنایی واژه‌ی وعد برحسب وجوه اشتراک به دو دسته تقسیم می‌شود:
دسته‌ی اول از مؤلفه‌های معنایی «وعد»، مربوط به وعده یا وعده‌های خداوند است که در آیات متعددی، وعده یا وعده‌هایی به خداوند نسبت داده است؛ ازجمله در آیات «لقمان: ۹»، «مریم: ۶۱»، «اعراف: ۴۴» و مانند آن؛ اما این دسته خود در دو گروه (مصدق) قابل تقسیم‌بندی است:

الف. مقصود از وعده‌ی الهی، دلالت زبانی و قولی است که به‌عنوان وعده‌ای از جانب خداوند، در قرآن به آن تصریح شده است، همچنان که بر اساس مفاد آیه‌ی «احزاب: ۲۲»، خداوند از طریق پیامبر اکرم^(ص) پیش از جنگ احزاب، رویارویی مسلمان با لشکر کفار را وعده داده بود.

ب. مقصود از وعده‌ی الهی، سنت‌ها و قوانینی است که به‌عنوان امور تکوینی الهی، در نظام هستی جریان دارد، همچنان که در آیه‌ی «فاطر: ۵» وعده می‌دهد که خداوند هر عاملی به سزای اعمالش می‌رساند؛ از همین رو نیز، در آیات متعددی به مؤمنان و صالحان وعده داده شده که مورد فضل و رحمت خداوند قرار خواهند گرفت (نساء: ۱۲۲؛ مائده: ۹؛ فتح: ۲۹ و...).

دسته دوم از مؤلفه‌های معنایی «وعد»، مربوط به وعده یا وعده‌های انسان است که به‌صورت دلالت زبانی و قولی است و در بعضی از آیات به انسان‌ها نسبت داده شده است؛ ازجمله در آیه‌ی «طه: ۸۶» که وعده‌ای به حضرت موسی^(ع) و در آیات «۱۲ و ۲۲ سوره‌ی احزاب» وعده‌هایی به حضرت محمد^(ص) نسبت داده شده است.

۲. واژه‌ی کانونی «وعد» در قرآن، با واژگانی همچون ربّ، رحمان، عزیز و حکیم، رابطه‌ی هم‌نشینی دارد و بر اساس این رابطه و در نظر داشتن اصل معنایی واژگان ربّ، رحمان، عزیز و حکیم، واژه‌ی وعد با اسماء و صفات الهی در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرد.

۳. «وعد الله» یکی از ترکیب‌های واژه‌ی وعد در قرآن است که با واژگانی همچون ایمان و عمل صالح، صبر و تقوا، رابطه‌ی هم‌نشینی دارد و بر اساس این رابطه و در نظر داشتن اصل معنایی واژگان ایمان و عمل صالح، صبر و تقوا، واژه‌ی وعد با باورها و اعتقادات، اعمال و گُش‌های رفتاری انسان، در یک حوزه‌ی معنایی قرار می‌گیرد.

۴. وعده‌های الهی به لحاظ تربیتی، مفاهیم مختلفی در بر دارد و در یک دسته‌بندی می‌توان مفاهیم تربیتی مترتب بر آن را در دو حوزه برشمرد: الف. حوزه‌ی شناخت؛ مفاهیمی همچون خداشناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی؛ ب. حوزه‌ی عمل؛ مفاهیمی مانند افزایش ایمان و ترغیب و تشویق.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه؛ شریف رضی، محمدبن حسین؛ ترجمه‌ی محمد دشتی؛ قم: مشهور، ۱۳۷۹ ش.
- آزادی، پرویز؛ «مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عباس مصلائی‌پور؛ دانشگاه امام صادق^(ع)، ۱۳۸۴ ش.
- آلوسی، محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ابن‌فارس، احمدبن زکریا؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم؛ لسان العرب؛ چاپ سوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین‌بن‌علی؛ روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- ایزتسو، توشی‌هیکو؛ ساختمان مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن؛ ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای؛ تهران: قلم، ۱۳۶۱ ش.
- _____؛ خدا و انسان در قرآن؛ ترجمه‌ی احمد آرام؛ تهران: سهامی انتشار، ۱۳۶۱ ش.
- بیضاوی، عبدالله‌بن‌عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.
- بی‌پرویش، مانفرد؛ زبان‌شناسی جدید؛ ترجمه‌ی محمدرضا باطنی؛ تهران: آگاه، ۱۳۷۴ ش.
- پالم، فرانک رابرت؛ نگاهی تازه به معنی‌شناسی؛ ترجمه‌ی کوروش صفوی؛ تهران: ماد، ۱۳۸۷ ش.
- حدادی، آمنه؛ «حس فرامتن در قرآن»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهدی مطیع؛ دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۸۹ ش.
- خسروی‌زاده، پروانه؛ نگاهی گذرا به تاریخچه‌ی معناشناسی؛ تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ چاپ دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
- شفیع‌زاده، مرضیه و همکاران؛ «معناشناسی کلمه در قرآن با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی»؛ پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۱، ۱۳۹۳ ش.
- صفوی، کوروش؛ درآمدی بر معنی‌شناسی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ پنجم، قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ جوامع الجامع؛ چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش.
- _____؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
- طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد؛ مجمع البحرین؛ چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- طیب، عبدالحسین؛ أطيّب البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، تهران: اسلام، ۱۳۷۸ ش.
- عروسی حویزی، عبدعلی‌بن‌جمعه؛ نورالثقلین؛ چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- غزالی، محمدبن‌محمد؛ احیاء علوم الدین؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۶ ق.
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ کتاب العین؛ چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- فیومی، احمدبن‌محمد؛ المصباح المنیر؛ چاپ دوم، قم: دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.

- کردنژاد، نسرین؛ «معناشناسی واژه رب»؛ حسنا، شماره ۴، ۱۳۸۹ ش.
- محدثی، جواد؛ «عمل، معیار ایمان»؛ فرهنگ کوثر، شماره ۷۸، ۱۳۸۸ ش.
- محمد العوّا، سلوی؛ بررسی زبان شناختی وجوه و نظائر در قرآن کریم؛ ترجمه‌ی حسین سیدی؛ مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۹ ش.
- مختار عمر، احمد؛ معناشناسی؛ ترجمه‌ی حسین سیدی؛ مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۶ ش.
- مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار شهید مطهری؛ تهران: صدرا، بی‌تا.
- موسوی خمینی، روح الله؛ شرح چهل حدیث؛ چاپ نوزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع)، ۱۳۷۸ ش.
- نامداری، اسماء؛ «مطالعه موردی برخی از آیات بشارت‌دهنده در قرآن کریم از منظر نظریه‌ی زبانی کارگفت»؛ مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، شماره ۱۹، ۱۳۹۶ ش.
- نجفی خمینی، محمدجواد؛ تفسیر آسان؛ تهران: اسلامی، ۱۳۹۸ ق.
- نراقی، محمدمهدی؛ جامع السعادات؛ بیروت: اعلمی، ۱۴۲۲ ق.

